

۱	معنی کلمات زیر را بنویسید. بنداخت: تعالی: ربیع: شکوه:	چاک چاک: صواب: خان: هلاک:	خَمّ کمند: مَلِک:
۲	معنی ابیات و جملات زیر را بنویسید. هر گل و برگی که هست، یاد خدا می کند بزد تیغ و بنداخت از بر، سرش فرو ریخت چون رود، خون از برش آفریدگار را ببايد پرستیدن و بر نعمت او سپاس داری باید کردن.	بلبل و قمری چه خواند؟ یاد خداوندگار	
۳	با توجه به درس معرفت آفریدگار، برداشت شما از « برگ درختان سبز در نظر هوشیار هرورقش دفترست معرفت کردگار » چیست؟		
۴	منظور از بیت « کم گوی و گزیده گوی چون دُر تا ز اندک تو جهان شود پر » چیست؟		
۵	منظور از « هفت خان گذشتن » چیست؟		
۶	در پایان هر جمله علامت مناسب بگذارید. (. ؟ !) باد بهاری وزید چرا کتاب‌هایت را نمی‌خوانی به به، عجب هوای خوبی		
۷	در جمله های زیر نهاد و فعل را مشخص کنید. علی کتاب را از روی میز برداشت و به سر ابوالفضل کوبید. پروانه روی گل‌های زیبای شقایق نشست.		
۸	مشخص کنید هر یک از کلمات زیر از چند هجا تشکیل شده است. زنبور () ، کتابخانه () ، دلداری (www.my) ، رفت ()		
۹	هر کدام از کلمات زیر را توضیح دهید و برای هر کدام یک مثال بزنید. کنایه: مبالغه:		
۱۰	کدام یک از عبارات زیر منادا نمی باشد؟ ای وطن! عطر گلها یا رب! جاودان باشی و سرافراز.		
۱۱	هر کدام از علایم نگارشی زیر چه کاربردی دارند برای هر کدام یک مثال بزنید. درنگ نما(،): علامت سوال(؟): دو نقطه(:):		

۱- بنداخت: انداخت
تعالی: بلند مرتبه
چاک چاک: پاره پاره
فغان: فرجه
ختم کند: گره و پیچ طناب
ربیع: بهار
شکوه: غنفلت
صواب: سبب

هلاک: نابودی
ملک: پادشاه

۲- هر گلی و برگی که هست، یاد خدا می کند
بلبل و قمری چه خوانند؟ یاد خداوندگار

شرنگلی و هر برگی که در دنیا هست خداوند را یاد می کند و از او سپاس گزار می کند و گویا بلبل و قمری چه می خوانند؟ یاد خداوندگار

بزد تیغ و بنداخت از بر، سرش
فروریخت چون رود، خون از برش

ستم با شهید سرش را از تنش جدا کرد و خون هاشم رو را از دهن جاری شد.

آفریدگار را بیاید پرستین و بر نعمت او سپاس داری باید کردن.

آفریدگار را باید پرستی و از نعمت تعالی که به ما داده است سپاس گزاری کرد.

۳- یعنی هر چیز در دنیا هستی یک برگ سبز درخت دفتری است برای شناسن خداوند

۴- منظور این است کم تر حرف بزنی اما گزیده و درست حرف بزنی تا مانند سرواوردی که چون کعبه است

ارزنده است و همه به دنبال آن هستند همه به دنبال تو باشند.

۵- یعنی مراحل دشواری را پشت سر گذاشتن و به موفقیت رسیدن.

۶- یاد بهاری وزیده
چرا کتاب هایت را نمی توانی ببندی
به به، عجب هوای نوی!

۷- علی کتاب را از روی میز برداشت و به سراغ الفصل گوید.
نهاد
فعل
www.dars-dars.com
فعل

پروانه روی گل های زیبای شقایق نغمت
نهاد
فعل

۸- زنبور: ۲ بقیه کتابخانه: ۴ بقیه دلاری: ۳ بقیه رفت: اینش

۹- کنایه: وقتی در باره‌ی مطلبی به‌طور غیر مستقیم صحبت می‌کنیم به آن کنایه می‌گویند که در مفهوم دور و نزدیک دارد و مقصود گوینده معنای دوران است. مثال:

مثال: آب در هاون کوبیدن — یعنی لها و پیوه انجام دادن

مبالغه: گاه شماران و نویسندگان برای تأثیر بیشتر به جمله آن را بزرگ تر از آنچه هست نشان می‌دهند. به این

گونه بزرگ نمایی مبالغه می‌گویند. مثال: زمینی زمین سده هم پاک پاک

۱۰- عطر گلها، جاودان باشی و سترافراز

۱۱- درنگ نیا (؟) : منتهای ای است که برای مکث کوتاه بین جمله‌ها یا عبارات‌ها و برای جدا کردن کلمه‌ها

استفاده می‌شود. مثال: درد استخوان‌های کهن ایرانی‌ها آری، دلاور فردی بود.

علامت سوال (؟): در پایان جمله‌های پرسشی و با برای نشان دادن شک و تردید می‌آید.

مثال: آیا تو در آزمون تیزهوشان شرکت می‌کنی؟

دو نقطه (:): برای توضیح دادن، نقل قول و معنی کردن کلمات به‌کار می‌رود.

فادریم پرسیده: امروز در مدرسه چه کاری انجام دادید؟

۱۲- معلوم: علم، علوم، معلم حافظ: حفظ، محفوظ، حفاظ

۱۳- ستارگان: جمع دانشی آموز: فرد کتاب‌ها: جمع گلستان: مفرد

معلمان: جمع گله: جمع

۱۴- با اینکه سفین به لطف آب است کم گفتن هر سفین، صواب است

آب از چه همه زلال فیزد از خوردن پر ملال فیزد

کم گوی و گزیده گوی چون در تاز اندک تو جهان شود پر

لا ف از سفین چو در توان زد آه فشت بود که پر توان زد

یک دسته گل دغان پرور از ترمن صد گلیه، بهتر